

تاریخ‌نگار در قلمرو تمدن اسلام

● علی احمد الیاسی
دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه تهران



تاریخ به عنوان یکی از منابع کسب معرفت و آگاهی، همواره مورد توجه انسان بوده و می‌توان نشانه‌های این توجه را در تمدن‌های باستانی مشاهده کرد. تاریخ در کنار سایر علوم و دانش‌ها، بخشی از تکاپوی علمی و تحقیقی را به خود اختصاص داده است. تاریخ‌نگاران نیز همواره از جایگاه اجتماعی و سیاسی و لایی برخوردار بوده‌اند و در سلسله مراتب قدرت سیاسی- اجتماعی، به حکومت‌ها تقرب جسته‌اند. امروزه مباحث مربوط به چیستی تاریخ، سرچشمه‌های پیدایش آن، سیر تحول علم تاریخ و ارتباط آن با سایر علوم و دانش‌ها و نیز روش‌ها و الگوهای تاریخ‌نویسی و تداوم و تحول آن‌ها، از مسائل مورد توجه پژوهشگران است و در مجتمع علمی و دانشگاهی، شاهد نگارش تأثیفات ارزنهای هستیم. البته در ایران، بیشتر این آثار، به توصیف و تحلیل‌های پرداخته‌اند و از نقد و بررسی روش‌ها و الگوهای تاریخ‌نویسانه غفلت کرده‌اند.

کتاب تاریخ‌نگاران و مکتب‌های تاریخ‌نگاری در اسلام از تأثیفات حوزه‌ی تاریخ‌نویسی و مبانی آن در قلمروی تمدن اسلامی است. رمضان زین‌العابدینی، مؤلف این اثر است که در سال ۱۳۸۸ از سوی انتشارات چاپخانه، در ۱۱۰ نسخه به چاپ رسید.

کتاب حاضر، شامل یک پیش‌گفتار و ده فصل است که عناوین فصول آن عبارتند از: آگاهی تاریخی و عوامل پیدایش تاریخ، سرآغاز تدوین تاریخ، اولین مکتب‌های تاریخی، مکاتب بزرگ، مکتب عراق، پیدایش مورخان بزرگ، نگاهی گذرا به مورخان در مشرق خلافت عباسی، تحول ماده (موضوع) تاریخی، دگرگونی روش‌های تاریخ‌نگاری، و دگرگونی خط فکری.

پیش‌گفتار این کتاب به قلم حسن یوسفی اشکوری است. ایشان در جستاری با عنوان «تاریخ به مثابه‌ی یکی از منابع معرفت»، به واکاوی پیشینه‌ی دانش تاریخ پرداخته و نمایی کلی از آن را در تمدن‌های جهان به دست داده است. در ادامه، از معنای تاریخ، تعریف علم تاریخ و نقش آن به عنوان منبع کسب معرفت، کارکرد آن و عوامل توجه به آن سخن گفته و به خاستگاه پیدایش تاریخ و مقایسه‌ی تغییر و تحولات آن در شبه‌جزیره‌ی عربستان و یونان و مصر و ایران پرداخته

تاریخ‌نگاران و مکتب‌های تاریخ‌نگاری در اسلام

نویسنده: رمضان زین‌العابدینی

ناشر: تهران: چاپخانه، چاپ اول، ۱۳۸۸، ۴۰۸ صفحه

اولین بار عوane بن حکم اخباری کوفی عنوان
کتاب تاریخ را برای تألیف خود برگزیده و از
قرن سوم، این اصطلاح در میان نویسنده‌گان
عرب رایج شده است

و زمان‌های آن اختصاص دارد. نویسنده در این مجال ضمن برشمردن مشکلات تدوین تاریخ و روایت شفاهی در نزد اعراب، به کوشش‌های برخی از نخستین روایان عرب در این زمینه اشاره کرده است. سپس موضوعاتی مانند تأثیر موضع‌گیری‌های سیاسی و دینی و قبیله‌ای و ملی، عدم توجه به نقش همه‌ی شهروها و قبایل، تأثیر شدید اسلام بر نوشه‌های تاریخی، آمیخته شدن تاریخ با انساب و رجال، و استفاده از اسناد در تألیف تاریخی را مورد واکاوی قرار داده است.

نویسنده، تدوین را مرتقب بر سه مرحله دانسته است: مرحله‌ی اول، که سرآغاز تدوین تاریخ شفاهی است، مربوط به طبع شخصی افراد بود و انجیزه‌های منفعت‌طلبانه‌ی دینی یا اجتماعی داشت. در مرحله‌ی دوم، اخباریان به جمع‌آوری اخبار حوادث گوناگون و موضع‌گیرهای مختلف همت گماشتند و مورخین به نوشنتن تاریخ اسلام و تاریخ عرب جاهلی و تواریخ امم پرداختند. مرحله‌ی سوم نیز تدوین تاریخ بر اساس زمان است.

نویسنده در این مجال با در نظر گرفتن دیدگاه‌های ابن‌نديم، موضوعات اولیه‌ی تدوین تاریخی را مشتمل بر؛ سیره و مغازی، حوادث مربوط به پیامبر(ص) از آغاز تا وفات، اخبار جاهلیت، تاریخ انبیاء تاریخ پادشاهان ایران و روم و... می‌داند.

فصل سوم «مکتب‌های تاریخی» نام دارد. در این فصل، نخست ضروت‌های پیدایش مکتب‌های تاریخ‌نگاری بیان شده‌اند و به عواملی همچون؛ نقش و تأثیر میراث ماقبل اسلامی ملت‌های گوناگون، توجه به نقش قبایل و گروه‌های سیاسی و اجتماعی در دوران اسلامی و تنوع اقالیم دولت اسلامی در نزد و دین و گذشته‌ی اشاره شده است. مکتب‌های کوچک تاریخ‌نگاری شام، یمن و ایران و چهره‌های شاخص تاریخ‌نگاری و مختصات تاریخ‌نویسی آن‌ها، بخش دیگری از این فصل معروفی شده‌اند.

«مکاتب بزرگ» عنوان فصل چهارم این اثر است. از بین مکاتب تاریخ‌نگاری، «مکتب مدینه» بیشترین تأثیر را در تاریخ‌نویسی گذاشته است. در این فصل، ضمن برشمردن ویژگی‌های مکتب مدینه، چهره‌های شاخص و تأثیرگذار این مکتب همچون؛ ابن‌عباس، ابان بن عثمان، وهب بن منبه، عمر واقعی و ابن‌سعده معرفی شده‌اند. فصل پنجم تحت عنوان «مکتب عراق» تألیف و تنظیم شده است.

است. در پایان نیز به این مسأله اشاره کرده که کتاب حاضر به دلیل برگزیدن عنوانی کلی، از تجزیه و تحلیل مطالب بازمانده است. با این همه، تلاش مؤلف را گامی به سوی انجام تحقیقات مفصل در این زمینه تلقی کرده است. زین‌العابدینی در فصل اول کتاب، تحت عنوان «آگاهی تاریخی و عوامل پیدایش تاریخ»، به تبیین و توضیح چهار موضوع اصلی می‌پردازد:

۱- آگاهی تاریخی و تاریخ در میان عرب قبل از اسلام؛ که خود شامل خبر، تاریخ و تاریخ عرب قبل از اسلام است. نویسنده در این مجال به ریشه‌یابی کلمه‌ی تاریخ در میان اعراب قبل از اسلام پرداخته و تغییر و تحول لغوی و معنایی این کلمه را بررسی کرده است. سپس اشاره کرده که اولین بار عوane بن حکم اخباری کوفی عنوان «کتاب تاریخ» را برای تألیف خود برگزیده و از قرن سوم، این اصطلاح در میان نویسنده‌گان عرب رایج شده است. در ادامه به بازنگاری و آثاری تاریخ در تمدن‌های سامی جنوب شبه‌قاره‌ی عربستان پرداخته و این مبحث را در قصه‌های عبرانی، آرامی و بابلی بی‌گرفته و ارتباط آن را با قصص دینی یهود و مسیحی بازگو کرده است.

۲- عوامل اولیه‌ی پیدایش تاریخ در اسلام؛ که شامل اندیشه‌ی تاریخ در اسلام است. نویسنده در این مبحث، به عوامل پیدایش تاریخ و تدوین آن در زمان ظهور دین اسلام پرداخته و عوامل گوناگون آن را، اعم از ضروت‌های دینی و آموزه‌های قرانی و احادیث نبوی و غیره، مورد واکاوی قرار داده است.

۳- نیازهای عملی حیاتی؛ در این مبحث، با کارکردهای عملی دانش تاریخ در نزد مسلمانان آشنا می‌شویم که از آن جمله می‌توان به نیاز به شناخت شأن نزول آیات و سیره‌ی پیامبر و تشریع نظام قضایی و نظام مالی اشاره کرد.

۴- عوامل یاری‌دهنده؛ شامل یارهای دیگر از کارکردهای تاریخ و دلایل توجه به آن در بین مسلمانان است و به مسائلی همچون تعیین تقویم، توجه به انساب، تشویق خلفا و حکام، جنبش شعوبیه و پیدایش کاغذ اشاره دارد.

فصل دوم تحت عنوان «سرآغاز تدوین تاریخ» به مباحثی نظیر؛ اولین دوره‌ی تدوین تاریخ، مشخصات این دوره، مراحل تدوین و موضوعات

معروف است که مکتب تاریخ نگاری مدینه و شام، اختصاص به مغاری و فتوح داشت و مکتب تاریخ نگاری عراق در زمینه های اخبار و ایام و انساب بود

تمدن اسلام

تاریخ نگاری از میانه قرن هفتم تا اوخر قرن دهم در حوزه ایران عصر ایلخانی و صفوی و نیز عثمانی و مصر عصر ممالیک اشاره شده است. در دوره سوم نیز تاریخ نگاری اندلس و مغرب عصر ادیسیان تا ظهور حسینیان در اواسط قرن دهم بررسی شده است.

در ادامه، در مبحث تحت عنوان «نگاه کلی و ویژگی های عمومی»، تحولات تاریخ نگاری در حوزه های یاد شده تا میانه قرن دهم مورد واکاوی قرار گرفته است. در مبحث «رجال تاریخی» نیز مورخان از منظرو ابستگی های سیاسی، دینی، نژادی و زبانی بررسی شده اند.

نویسنده با اشاره به شهرها و مراکز تجمع مورخان از قبیل بغداد، اصفهان، نیشابور، سمرقند، موصل و فسطاط، جنگ های صلیبی و یورش مغولان به سرزمین های اسلامی را از دلایل شکوفایی تاریخ نگاری دانسته است. وی مورخان را با در نظر گرفتن مشاغل و مناصب اداری و منشأ دیوانی در سرزمین های مختلف، طبقه بندی کرده و به منشأ حکومتی و امیرالامرایی گروهی از ایشان اشاره می کند. مواردی از تاریخ نگاری در بین سایر گروه های دینی و اجتماعی، از جمله بزرگان جامعه علوی، فقیهان، محدثان، پزشکان و صاحبان حرف بازاری، مشاهده می شود. در بین آثار به جا مانده از خاندان های اهل علم و کتابت نیز تألیفاتی در حوزه تاریخ نگاری وجود دارد.

نویسنده ضمن بر شمردن این موارد، به بررسی آثار آل الجراح، آل

الصابی، آل سمعانی، آل البناء، آل المقدسی، آل جوزی و... پرداخته است.

در ادامه، ادیب مورخانی نظریه بیهقی، هلال صابی و ابونصر عتبی معرفی شده اند. سپس افراد اقلیت های دینی یهودی، سریانی، مسیحی و قبطی در تاریخ نگاری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و چهره های شاخص و آثار برتر ایشان معرفی شده اند.

رحله های سفرنامه های نیز به عنوان بخشی از آثار تاریخ نگاری، بررسی شده اند. نویسنده ضمن مهم دانستن نقش سفر در تاریخ نگاری، عامل سیاسی را مهم ترین معیار در تقسیم بندی مکاتب تاریخ نگاری می داند. نویسنده در فصل هشتم این کتاب، رشد تمدن، نیازهای سیاسی و حکومتی، رشد علوم دیگر و پراکندگی سیاسی را از عوامل دگرگونی مواد تاریخی دانسته است. سپس با اشاره به فراوانی کمیت موضوعات تاریخی، انواع آن را بر شمرده که عبارتند از: تواریخ محلی، شهری،

نویسنده در آغاز به بررسی اجمالی اوضاع سیاسی و اجتماعی عراق در سده های اولیه اسلامی پرداخته و بافت و زمینه فکری و سیاسی آن را به دست داده است. سپس به شکل گیری مکتب تاریخ نگاری عراق در خلال این مسائل توجه کرده و اختصاصات تاریخ نگاری عراق را در مقایسه با مکتب شام و مدینه بیان کرده است. در بخشی از این فصل می خوانیم: «معروف است که مکتب تاریخ نگاری مدینه و شام، اختصاص به مغاری و فتوح داشت و مکتب تاریخ نگاری عراق در زمینه های اخبار و ایام و انساب بود.» (ص ۱۲۸) در ادامه، نویسنده به معرفی چهره های شاخص این مکتب و پاره ای از آثار آنان پرداخته است.

فصل ششم با عنوان «بیدایش مورخان بزرگ»، شامل وجهه تمایز و گروه بینیان گذاران است. نویسنده در این مجال ضمن بر شمردن ویژگی ها و اختصاصات تاریخ نویسی ها، از آن ها به عنوان معيار دسته بندی مورخان استفاده کرده است. برخی از این ویژگی ها عبارتند از: فهم کلی و جهانی از تاریخ؛ استفاده از روش محدثین در درستی سند روایت؛ به کار گیری سیره و اخبار و شعر و انساب به عنوان ابزار تاریخ؛ نظام بخشیدن به مواد تاریخی بر اساس سال شمار و قایع و..

در ادامه نویسنده به معرفی برخی از این چهره ها همچون یوسف بن ابراهیم کاتب و عبدالله بن جبله بن الحار الكنانی می پردازد و در ادامه مورخانی همچون خلیفه بن خیاط، ابن قتبیه دینوری، ابوحنیفه دینوری، ابن طیفسور، احمد بن واضح یعقوبی و محمد بن جریر طبری را مورد واکاوی قرار می دهد. وی ضمن ارائه زندگی نامه و کارنامه های سیاسی و اجتماعی، به معرفی موضوعی و محتوایی آثار ایشان نیز اهتمام می ورزد.

در فصل هفتم، «نگاهی گذرا به مورخان در مشرق خلافت عباسی»، تحولات تاریخ نگاری پس از قرن سوم در سه دسته تقسیم شده که بیشتر، نوعی دسته بندی مکانی و جغرافیایی است. دوره ای اول، تحولات تاریخ نگاری را از قرن چهارم تا میانه قرن هفتم در حوزه های شرقی خلافت از مصر تا یمن و ماوراءالنهر در بر می گیرد. در این بخش، تحولات و فراز و نشیب تاریخ نگاری در ایران عصر آل بویه و سلجوقی و خوارزم شاهی و نیز شام و مصر و یمن عصر فاطمی و ایوبی مورد بررسی قرار گرفته است. در دوره ای دوم، به فراز و نشیب

اجتماعی و فرهنگی حوامی اسلامی نگاه کرده و به این ترتیب، اطلاعات و آگاهی‌های اولیه را در مورد مواد خام تاریخی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی برای پژوهشگران حوزه‌های مطالعات تاریخ اجتماعی و فرهنگی و نیز تاریخ‌نگاری فراهم آورده است.

در بخش دیگری نیز نویسنده به نقش و عملکرد پیروان اقلیت‌های مذهبی از قبیل یهودی، مسیحی، سریانی، قبطی و... در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری اشاره کرده است که این مبحث، از نظر نوع نگاه آنان به تاریخ و نقش آنان در این حوزه از علوم، قابل تأمل است. در فصل هفتم نیز، رویکرد نویسنده در بررسی پایگاه اجتماعی و شغلی مورخان، بسیار جالب توجه است.

البته این کتاب گران‌قدر نیز کاستی‌ها و نواقصی دارد که در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود. نخست آن که این اثر فاقد مقدمه است. از آنجا که مقدمه، در بردارنده اطلاعات روش‌شناسی و پایه‌ای در خصوص سوالات و فرضیه‌های تحقیق و انگیزه‌یا نگیزه‌های مؤلف است؛ این مسأله یک نقش کلی به شمار می‌رود. زیرا کتاب حاضر، فاقد معروفی کلی شناسنامه‌ای و روش‌شناسی است.

دیگر این که نویسنده در فصل سوم، مکتب‌های تاریخ‌نگاری را به دو دسته‌ی بزرگ و کوچک تقسیم کرده است. این در حالی است که معیاری برای این دسته‌بندی به دست نمی‌دهد. علاوه بر این، برخی از چهره‌های شاخص تاریخ‌نگاری ایرانی و اسلامی همچون طبری و مسعودی را در ذیل مکاتب کوچک تاریخ‌نگاری جای داده و میراث ایران را در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری نادیده گرفته است.

در فصل چهارم با عنوان «مکاتب بزرگ»، فقط مکتب تاریخ‌نگاری مدینه و تحولات مربوط به آن بررسی شده و عنوان مذکور هیچ تطبیقی با محتوای فصل ندارد. این در حالی است که فصل بعدی «مکتب عراق» نامیده شده و این موضوع، انسجام و پیوستگی مطالب را مخدوش کرده است.

در فصل ششم، نویسنده با استفاده از اعداد و ارقام، موضوعات را عنوان بندی کرده، در حالی است که این گونه عنوان‌بندی‌ها هیچ گونه ضرورتی ندارد.

در مبحث فهرست متابع و مأخذ، دسته‌بندی معمول و لازم رعایت نشده و نویسنده، متابع و مأخذ را به طور کلی ارائه داده است. از سوی دیگر، این اثر فاقد نمایه‌ی اشخاص و اماکن است که به طور معمول، بخشی از یک اثر منسجم به شمار می‌رود.

البته باید در نظر داشت که اثر حاضر، متنضم موضوع بسیار گسترده و کلی، هم از نظر حوزه‌ی جغرافیایی و هم از نظر بعد زمانی (از آغاز تا قرن دهم) است و همین امر، از دقت نظر مؤلف کاسته است. گستردگی موضوع و مجال اندکی که حجم «یک کتاب» در اختیار نویسنده گذاشته، موجب شده وی به ذکر کلیاتی از زندگی تاریخ‌نگاران و اثار ایشان اکتفا کند و از تجزیه و تحلیل مسائل حوزه‌ی تاریخ‌نگاری بازماند.

سلسله‌ای، انساب و...

در ادامه تنوع موضوعات تاریخی را در دوره‌ی شکوفایی تمدن اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد و به نمونه‌هایی از آثار صاحبان فنون مختلف اشاره می‌کند. بنا بر قول ذهنی، تعداد این فنون به چهل فن می‌رسیده است، از قبیل؛ تاریخ تجار، تاریخ صنایع، تاریخ شطرنج، تاریخ ندما، تاریخ وراقین، تاریخ صومعه‌ها، مساجد و...

نویسنده در مبحث دیگری از این فصل، به تأثیر نهاد دولت و قدرت در تاریخ‌نگاری اشاره کرده و نیازهای سیاسی و حکومتی را در انتقال تجارت و دستاوردهای دیوان‌سالاری از نسلی به نسل دیگر، از زمینه‌های تاریخ‌نگاری سیاسی و دیوانی بر شمرده است.

در ادامه، تأثیر و رابطه‌ی تاریخ با نجوم، ستاره‌شناسی، فلسفه، طب، حکمت عملی، مسایل عرفان، عقاید مذهبی و فرقه‌ای و نیز احوالات شخصی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

مؤلف «دگرگونی روش‌های تاریخ‌نگاری» را در فصل نهم بررسی کرده است. وی عوامل این دگرگونی را به دو بخش؛ تدوین موضوع تاریخ، و تنظیم و بررسی موضوعات تاریخی تقسیم کرده و به مواردی همچون استفاده از سلسله‌ی اسناد و راویان، ذکر منابع و مأخذ، استفاده از متون مربوط به نصوص معاهدات و رسائل و خطبه‌ها در آثار تاریخی و تأثیر علوم دیگر بر تاریخ‌نگاری اشاره می‌کند.

در ادامه، با اشاره به ارتباط طب، رجال و فلسفه با علم تاریخ، با ذکر نمونه‌هایی، به بررسی تأثیر روش‌های آنان بر روش تاریخی می‌پردازد. سپس روش‌های نگارش تاریخ را مورد واکاوی قرار می‌دهد و آن را به دو گروه؛ مرسّل و ادبی تقسیم می‌کند. در پایان نیز به معرفی نوع دیگری از تاریخ‌نگاری، تحت عنوان «معجم و تراجم احوال» می‌پردازد و نمونه‌هایی از آن را ذکر می‌کند.

فصل دهم با عنوان «در دگرگونی خط فکری»، شامل چکیده‌ای جامع از محتوای کتاب است.

نقد و نظر

کتاب حاضر، از محدود منابعی است که در حوزه‌ی مطالعات تاریخ‌نگاری به رشته‌ی تحریر درآمده و از این نظر، فرصت مغتنمی را برای پژوهشگران و علاقه‌مندان تاریخ فراهم کرده است.

در این اثر با نکات قابل تأملی مواجه می‌شویم. از جمله‌ی این نکات، مبحثی در فصل هفتم است که به بررسی منشأ اجتماعی و فرهنگی برخی از تاریخ‌نگاران در سرزمین‌های اسلامی اشاره دارد و تأثیر بافت فکری و فرهنگی را در تاریخ‌نگاری آنان بازگو می‌کند. این مسأله از دیدگاه شناخت منشأ اجتماعی و فرهنگی تاریخ‌نگاران و دیدگاه‌های تاریخ‌نویسی آنان، بسیار شایان توجه است.

در مبحث دیگری از همین فصل کتاب، به جهت توجه به جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی و فرهنگی در تاریخ‌نگاری اسلامی؛ مباحث بکر و تازه‌ای مطرح شده که تا کنون از دید پژوهشگران این حوزه مغفول مانده بود. در واقع، نویسنده از دیدگاه منابع مختلف، به تاریخ